



## سیاست – قسمت اول: پیشگفتار

سیاست علمی است متعلق به حکمت، که با استفاده از آن اختیار و کنترل امور به دست می آید و با نظر در صلاح و فساد امور، آن را به بهترین نحو اداره کرده و به هدف غایی آن میرساند.

در سلسله مطالبی که تحت عنوان سیاست منتشر خواهم کرد، قصد دارم آنچه را که دانستن آن از علم سیاست برای عموم لازم است عرض کنم تا تنبهی برای خودم و یادآوری برای سایر برادران باشد و به واسطه اعمال آن، آنچه تحت امر ماست به نیکوترین وجه به انجام رسد.

در این پیشگفتار، پس از ذکر نکاتی چند، با کلیاتی از این علم آشنا شده و به عناوین اصلی این سلسله مطالب پی خواهید برد.

اما **نکته اول** اینکه سیاست، عمل عقل است که به آن جمیع مراتب ما دون خود را اصلاح کرده و بر آنها فرمانروایی میکنیم.

**نکته دوم** اینکه سیاست حق، سیاستی است که دیکته کننده آن ائمه معصومین علیهم السلام باشند، چرا که عقل کلی ایشانند و ایشان به جمیع ملک و نسب و قرانات آن واقفند و غیر ایشان اگر از جهتی صلاحی را مد نظر قرار دهد از جهات بسیار غافل خواهد بود. بدین جهت جمیع آنچه آل محمد علیه السلام تحت علوم طریقت و شریعت فرموده اند من باب آموختن سیاست است.

**نکته سوم** اینکه قابلیت افراد در اعمال سیاست متفاوت میباشد و جایگاه سیاست نه تنها محدود به امور ملک و حکومت است، بلکه از نفس یعنی خود شخص سائس شروع شده و در هر گروه جمعیتی که اهم

آن منزل است جریان پیدا کرده و مرحله به مرحله به سیاست مدن و سیاست ملک میرسد.

**نکته چهارم** اینکه، هر شخص به اندازه جایگاهی که در ملک دارد، لازم است از آنچه از علم سیاست به او مربوط میشود بداند تا اینکه تمامی امور به نحو احسن انجام شده و ملک به هدف غایی خلقت خود برسد، و بی اعتدالی هایی که در این زمان غیبت میبینیم از عدم رعایت همین موارد است.

**نکته پنجم** اینکه برای سیاست هر امری سائس واحدی لازم است تا بدون بروز اختلاف امور را رهبری کرده و ناطق باشد، و همین از اعظم دلایل اثبات توحید و نبوت و ولایت و بزرگان دین است و خداوند حکیم، خلقت خود را همینگونه به حکمت جاری نموده است.

**نکته ششم** اینکه سائس واحدی که عرض شد، باید اقوای از مادون خود باشد و به این واسطه همه از او تمکین کنند، و الا کسی که مادون او خود را پیش او اقویاء بدانند دوامی نخواهد داشت و بر او مسلط خواهند شد، و این امر چه در نفس، چه در منزل و چه در ملک یکسان است.

**نکته هفتم** اینکه سائس باید عالم به مزاج مرئوسین باشد تا بداند که با هرکدام چگونه رفتار نماید و جایگاه هرکدام در کجاست و به چه سیاستی حفظ قلوب کرده و ایجاد اتحاد کند، که این نیز در عالم صغیر و کبیر یکسان است.

**نکته هشتم** اینکه در هر رتبه سائسی موفق خواهد بود که سیاست مراحل قبل را کرده باشد. یعنی مثلاً کسیکه بدن او تابعش نباشد و سیاست آن را ننموده باشد و امور شخصی او منظم نباشد، هیچگاه نخواهد توانست که منزلش را سیاست کند و کسی که منزل خود را سیاست نکرده هیچگاه نمیتواند رییس مناسبی برای جمعیت بیشتری باشد. از این جهت است که مرحوم حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه میفرمودند: من از قلمدان هر کسی استدلال میکنم که این میتواند سیاست و ریاست بکند یا نه، اگر کسی قلمدان خود را اصلاح کرد بالاتر را هم میتواند برود.

بنابراین، اقل ریاست که برای همه مشترک می باشد، ریاست بر نفس است که بایست آن را از سرکشی خارج کرده و تمامی مراتب آن را از روح نباتی گرفته تا نفس ناطقه، با سیاست تحت کنترل در آورده و بر طریق مستقیم قرار دهیم.

پس از آن به سیاست منزل یعنی خانواده و امور مربوطه و سیاست بیرون منزل یعنی همسایه و اصدقاء و امثال آن پردازیم، و پس از این مواردی که همه در آن مشترکیم، اگر دارای قابلیت برای ریاست بالاتری هستیم و خداوند برای ما قرار داده باشد، در همه مراتب سیاست صحیحه را رعایت نماییم تا همانطور که گفته شد امور به نحو احسن به سرانجام رسد.

طبق آنچه عرض شد باید فهمیده باشید که در این سلسله مطالب از چه موضوعاتی سخن خواهیم گفت و چگونه به اصلاح امور خواهیم پرداخت.